

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با نویسنده کتاب «فساد دانشگاهی»:

۵۰ راهکار برای ارتقای سلامت دانشگاه ارائه کردم

■ پیمایش ۳ هزار نفره‌ام نمره فساد دانشگاهی ایران را ۷۵ نشان داد



زهرا رameزانی

خبرنگار گروه دانشگاه

بحث تقلب‌های علمی و داشتن مدرک‌های جعلی از‌سوی برخی چهره‌ها درفضای آموزش عالی موضوع تازه‌ای نیست؛ اتفاقاتی که به‌نوعی شکل ازفساد محسوب می‌شود. البته در طرف دیگر ماجراهم می‌بینیم که اصرار

چه موضوعی باعث ششد فساد دانشگاهی به عنوان موضوع نگارش کتاب از سوی شما قلمداد شود؟

در ارتباط با سوال شما، اگر بخواهم پاسخ بدهم، شاید بیش از یک ساعت باید صحبت کنم و از خاطرات و تجربیاتم در بیش از ۳۰ مسال کار کردن در دانشگاه به عنوان یک کارمند ساده، مدیر، مدرس و دانشجوی مقاطع مختلف صحبت کنم که انگیزه خود را تعریف کرده و اینکه چه موضوعاتی باعث شده کتاب «فساد دانشگاهی» را بنویسم؛ اما سعی می‌کنم به صورت خلاصه به سوال شما پاسخ دهم.

سال ۱۳۸۳ من سرپرست انتشارات دانشکده مدیریت شدم. آن زمان در انتشارات، ۳ فصلنامه و کتاب با آرم دانشگاه تهران منتشر می‌کردیم و طبیعتاً خیلی با مفهوم فساد به معنای دقیق علمی آن آشنا نبودم. با مواردی برخورد می‌کردم که اسمم آن را سوء استفاده و تخلف می‌گذاشتم و آن را به مدیر مسئول وقت که همان رئیس دانشکده بود گزارش می‌دادم؛ او نیز تا حد زیادی حمایت و کمک می‌کرد و از این طریق مانع چاپ کتاب‌ها و مقالات غیرمعتبر می‌شدیم.

از مواردی که زیاد شاهد آن بودم، مراجعه و گلابه‌های دانشجویان درخصوص نوشتن مقاله بود که می‌گفتند فلان استاد ما را وادار کرده به عنوان کار کلاسی مقاله بنویسم و به نام مشترک منتشر کنیم که آن استاد هیچ نقشی در نوشتن مقاله نداشته و امر کرده که اسم او نیز باید به عنوان نویسنده بالاتر از دانشجو قرار بگیرد. در مورد مقالات مستخرج از پایان‌نامه‌ها که در آن زمان ۲ نمره را به خود اختصاص داده بود، این اتفاق می‌افتاد. حتی برای پایان‌نامه‌های فوق لیسانس هم اساتید منوط کرده بودند که باید اکسپت یا خود مقاله منتشر شود تا ۲ نمره پایان‌نامه داده شود، در واقع نمره پایان‌نامه را از ۱۸ حساب می‌کردند. مسئله این بود که برخی از اساتید بدون ایفای نقش علمی، دانشجو را وادار می‌کردند تا مقاله را با نام استاد در صدر منتشر کنند. کار دیگری که برخی از اساتید انجام می‌دادند، این بود که فشار وارد می‌کردند که برخی از کتاب‌های فاقد استاندارد علمی را منتشر کنیم که ما هم این کار را نمی‌کردیم، البته به هر حال به اشکال مختلف تحت فشار قرار می‌گرفتم. زمانی هم که دولت وقت تغییر کرد و محمود احمدی‌نژاد به ریاست‌جمهوری رسید، به تبع آن رئیس دانشگاه و رئیس دانشکده نیز عوض شدند. من طبق وظیفه موارد تخلف را به مدیران جدید گزارش کردم اما این دفعه نتیجه متفاوت بود. یعنی وضعیت این‌گونه شد که شواهی به من گفتند که نظر هیئت رئیسه این است که شما استعفا دهید و دیگر در پست سرپرستی انتشارات نباشید؛ من بلافاصله استعفا دادم و مشغول کار پژوهشی شدم و به صورت ویژه پژوهش در حوزه فساد اداری را شروع کردم.

وقتی با مفهوم فساد، مباحث نظری و روش‌شناختی آن به صورت علمی آشنا شدم، اتفاقات دفتر مجلات، دوران دانشجویی و دوران حضورم در انتشارات برای من معنا و مفهوم دیگری پیدا کرد. در کنار آن هم مدت‌ها دنبال اسپانسر سازمانی بودم که از این موضوع حمایت کند تا بتوانم پژوهشی درباره فساد دانشگاهی انجام دهم اما جایی را پیدا نکردم و حمایتی از بنده صورت نگرفت. به واسطه اینکه از اوایل دهه ۷۰ به عنوان پژوهشگر مشغول پژوهش بودم، با تخلفات در حوزه پژوهشی و پایان‌نامه‌نویسی هم آشنا شده بودم؛ از ایسن رو اگر در حوزه پژوهش بخواهم صحبت کنم، با توجه به تجربیات به‌دست‌آورده، ساعت‌ها می‌توانم صحبت کنم. در مجموع به دلیل تجربیاتی که دارم، باید بگویم که ما بارها قربانی فساد شده بودیم. تا جایی که حتی در اوایل دهه ۹۰ در انتشار یک پا دو کتاب نیز بار دیگر قربانی فساد شدیم

تا اینکه بحث فساد دوباره برای من تکرار شود.

البته باید به این مسئله هم اشاره کنم که در دوران تحصیلم که مربوط به دهه ۷۰ می‌شد هم با مسائل مختلفی مواجه می‌شدم که به شدت آن تصویر و تصویری که از دانشگاه و نقش دانشگاه در سازندگی کشور و توسعه کشور در ذهن خود داشتم را مخدوش می‌کرد. به عبارت دیگر، در آن برهه تنها انبوهی از دانشجویان بی‌انگیزه را می‌دیدم که تنها به دنبال مدرک بودند. تا جایی که حتی به یاد دارم که در همان نیمه اول دهه ۷۰ یک شعر ی نوشته بودم و در آن دانشگاه را به بازار مکاره کارنامه تشبیه کرده بودم. یعنی ما اساتیدی داشتیم که صلاحیت علمی تدریس درون واحد را نداشتند و یا اساتیدی که صرفاً زوری جزوه برای دانشجویان می‌خواندند و حتی زحمت نمی‌کشیدند که آمارهای جمعیتی و اشتغال‌ی که در جزوه‌ها آمده بود را به‌روز کنند. این آمارها به حدی بود که مربوط به دهه ۳۰، ۴۰ و ۵۰ بود و اساتید هنوز در دهه ۷۰ آمارها را اصلاح نکرده بودند. البته از حق نگذریم، اساتید خوب و یاسواد ی نیز داشتیم که زحمت می‌کشیدند؛ اما از آن مدل اساتید نیز کم

بخشی از اساتید برای درج‌نامشان در کنار مقالات و پایان‌نامه‌های منتشر شده ازسوی دانشجویان، وضعیت آشفته‌ای را در نظام آموزش عالی ایجاد کرده است. اتفاقاتی که همگی را باید در قالب فساد تعریف کرد. بالا بودن و البته تفاوت اقدامات فسادآمیز در دانشگاه‌ها باعث شده بعضاً پژوهش‌هایی هم در این زمینه صورت بگیرد؛ اما واقعیت غیرقابل انکار آن است که گویی یک خط قرمز فرضی در پاره صحبت کردن از وجود فساد در بدنه

نداشتیم. مجموعه این تجربیات و ادراکات خودم، دانشجویان و همکاران دانشگاهی که با آنها در ارتباط بودم، این مسئله را در فکرم به وجود آورده بود که دانشگاه از آن کارکرد ها و وظایف اصلی خود کاملاً فاصله گرفته و کم‌کم در حال تبدیل شدن به یک بنگاه اقتصادی است.

در این میان به نظر می‌رسد که مسئله فساد آکادمیک یکی از عوامل مهمی است که دانشگاه را از کارکردهای اصلی خود دور کرده است. احساس می‌کردم در شرایطی که حال دانشگاه به واسطه فساد روز به روز در حال بدتر شدن است، غیرمسئولانه خواهد بود که درباره فساد دانشگاهی سکوت اختیار کنم و حرفی نزنم. به همین دلیل بود که حدود ۴ سال بخش از مطالعات خود را به موضوع فساد دانشگاهی اختصاص دادم. در این خصوص مطالعه، یادداشت‌برداری و فیش‌برداری انجام می‌دادم و در تعاملات و صحبت‌هایی با همکاران و دانشجویان هم به این موضوع می‌پرداختم. حتی از تعدادی از دانشجویان در یکی از درس‌های روش تحقیق عملی کمک گرفتم و پیمایشی در حوزه فساد دانشگاهی در دانشگاه تهران انجام دادم و تا امروز نیز برخی مطالعات و یادداشت‌هایی که داشتم در قالب مقاله منتشر شده است. همچنین مجموعه مطالعات و یافته‌های پژوهشی خود را در قالب کتاب منتشر کردم. تلاشمان آن بود که به اندازه وسع و توان خودم در اصلاح دانشگاه تلاش و دین خود را به سازمان علم ادا کرده باشم.

با طرح واژه فساد، تصورات به مسائل مالی برمی‌گردد. موضوع فساد دانشگاهی در کشور از نگاه شما چه ابعادی دارد؟ فساد در کدام بخش پررنگ‌تر است؟

حرفتان درست است. وقتی که واژه فساد و مفهوم فساد مطرح می‌شود، اولین موضوعی که به ذهن متبادر می‌شود، مسائل مالی مانند اختلاس، رشوه و کلاهبرداری است. تا جایی که شاید اصلاً بحث فساد دانشگاهی ممکن است بسیار دور از ذهن همه ما باشد. با این حال می‌خواهم بگویم که اتفاقاً ریشه بسیاری از این فسادها در نظام آموزشی ماست. یعنی اگر دانشجویان و دانش آموزان را درست تربیت کنیم، قطعاً می‌توانیم در سیستم مالی و اداری کشور نیز شاهد کاهش فساد باشیم.

از این‌ها که بگذریم، باید بگویم موضوع فساد دانشگاهی از نظر من دارای ابعادی است که آن را از فساد اداری و مالی متمایز می‌کند؛ چراکه فساد اداری و مالی در بسیاری از سازمان‌ها وجود دارد و بین سازمان‌های گوناگون مشترک هم است و اشکال مختلفی از آن را می‌توانیم در مزایده‌ها، مناقصه‌ها و پرداخت‌ها نیز ببینیم؛ اما آنچه که فساد دانشگاهی را متمایز می‌کند، مربوط به کارکردها و کارویژه‌های خاص دانشگاه است. درواقع آموزش و پژوهش به عنوان ۲ کارویژه اصلی دانشگاه، آن را از دیگر سازمان‌ها متمایز می‌کند. بر همین مبنا، باید یکدک کنیم کاری هم که در کتاب خود انجام دادم، این بود که تلاش کردم تا متفاوت از محققانی که در حوزه فساد خلط مبحث کرده‌اند عمل کنم. درحقیقت شناسی که این افراد از فساد دانشگاهی حرف زدند، به فساد اداری و مالی نیز اشاره نمی‌کرد. اما من می‌خواستم بر کارویژه‌های اصلی دانشگاه تمرکز کنم و فساد دانشگاهی را در این رابطه تعریف کنم و حد اصطلاح حدود و ثغور آن را مرتبط با کارویژه‌های دانشگاه مشخص کنم.

یعنی ما می‌توانیم یکی از ابعاد مهم فساد دانشگاهی را در تعاملات فاسد بین کنشگران دانشگاهی شامل مدیران دانشگاهی و به‌صورت کلی‌تر آموزش عالی، اعضای هیئت علمی و مدرسان، کارکنان و دانشجویان تعریف کنیم. بین این کنشگران دانشگاهی تعاملات فاسدی رخ می‌دهد که من این موارد را در کتاب فساد دانشگاهی صورت‌بندی کردم. ابعاد مهم دیگری از فساد دانشگاهی را هم می‌توانیم در تولیدات علمی دانشگاهیان از جمله تولید مقاله‌ها و مجلات و در انتشار کتاب‌های دانشگاهی، همایش‌ها، سمینارها، جشنواره‌ها و پایان‌نامه‌های مقاطع مختلف جست‌وجو کنیم.

همچنین در بخش تولیدات علمی هم بسیار شاهد فساد هستیم. برای مثال در فعالیت‌های دانشجویی، پایان‌نامه‌ها به‌شکل بسیار زیادی آلوده به‌فساد شده‌اند. در نظام دانشگاهی خرید و فروش پایان‌نامه‌ها، کپی کردن از پایان‌نامه‌های مختلف و جعل داده‌ها بسیار گسترش پیدا کرده و متأسفانه بسیاری از اعضای هیئت علمی نیز روی این موضوع نظارتی ندارند. در مقابل به تعدادی از آن‌ها نیز برای این موضوعی وقت می‌گذارند و با دقت تمام کار دانشجویان زیر نظر داشته و آن‌ها را راهنمایی می‌کنند تا دانشجوی یک کار آکادمیک به تمام معنا ارائه کنند. اما تعداد زیادی از اساتید را هم داریم که زمانی را برای این مسئله اختصاص نمی‌دهند و پایان‌نامه‌ها اساساً هیچ ارزش علمی ندارند و خودمان نیز شاهد این قضیه بوده‌ایم و حتی گزارش‌هایی هم درباره آن منتشر شده که مثلاً با کامیون آمده‌اند و پایان‌نامه‌های فلان دانشگاه ابروه تبدیل به خمیر کرده‌اند که دلایلش آن بود که پایان‌نامه‌ها هیچ ارزش علمی نداشتند. در پژوهش‌ها فساد به شکل گسترده‌ای رخ می‌دهد و حتی در تعاملات بین کنشگران دانشگاهی یعنی در حوزه مدیران دانشگاهی نیز شاهد فساد گسترده‌ای هستیم.

وضعیت عملکردی دستگاه‌های نظارتی مرتبط با این حوزه را چطور می‌بینید؟ از نگاه شما لازم است جز وارتین علوم و بهداشت و شورای عالی انقلاب فرهنگی دستگاه نظارتی دیگری هم به‌صورت مستقیم به این عرصه ورود کند؟

در این زمینه حداقل می‌توانیم از ۳ مدل نظارت صحبت کنیم. اول خودنظارتی یا خودکنترلی، دوم نظارت درون‌سازمانی که متولی آن واحدهایی مثل بازرسی، حراست، هیئت رسیدگی به تخلفات اداری و انتظامی اعضای هیئت‌علمی‌اند. مدل سوم نظارت هم برون‌سازمانی است که متولی اصلی آن سازمان بازرسی کل کشور است که در کنار آن، سایر نهاده‌ها مانند دیوان محاسبات و دیگر دستگاه‌ها هم در آن ورود می‌کنند.

در بحث بسیار مهم خودکنترلی و نظارت درونی؛ علی‌رغم غنای فوق‌العاده ادبیات دینی مان، اما مشاهد وضعیت مناسبی در این زمینه نیستیم. یعنی خودنظارتی و خودکنترلی در افراد جامعه بسیار بسیار ضعیف است. همچنین در باره عملکرد دستگاه‌های نظارتی هم باید بگویم که روند رو به گسترش فساد طی یکی دو دهه گذشته حاکی است دستگاه‌های نظارتی عملکرد مناسبی نداشته‌ند؛ چراکه اگر عملکرد آن‌ها خوب بود به‌طور طبیعی باید فساد کاهش پیدا می‌کرد نه اینکه شاهد افزایش آن باشیم. نکته دیگر این

آموزش عالی به هر شکل، وجود دارد. با این حال به سراغ داود حسینی هاشم‌زاده رفتیم که به عنوان نویسنده کتاب «فساد دانشگاهی» شناخته می‌شود. فردی که پیش از ۳ دهه از عمر خود را در آموزش عالی سپری کرده و به عنوان مدرس دانشگاه و محقق حوزه فساد و سلامت اداری در کشور شناخته می‌شود. هاشم‌زاده برای اولین بار در سال ۱۳۹۸ اقدام به انتشار این کتاب کرد و امسال بار دیگر این اثر در سال جاری تجدیدچاپ شد.

است که دستگاه‌های نظارتی فهم درست و دقیقی از مسئله فساد آکادمیک ندارند و نیازمند آموزش دیدن در این حوزه‌اند تا به فهم دقیق و علمی از این مسئله نائل شوند. نکته بعدی اینکه طبق یافته‌های پژوهشی مرتبط با حوزه ارزیابی عملکرد دستگاه‌های نظارتی متولی مبارزه با فساد اداری، به این نتیجه رسیده‌یم که بخشی از دستگاه‌های نظارتی، خود به فساد آلوده شدند. ضمن اینکه در مواجهه با فساد، برخورد سیاسی انجام می‌دهند. (البته من باید این نکته را متذکر باشم که من در باره عملکرد دستگاه‌های نظارتی آموزش عالی پژوهشی انجام ندادم.)

با این حال می‌توان استراتژی‌های مختلفی را برای تقویت بحث نظارت

پیشنهاد کنیم که بنده نیز در کتابم به آن‌ها پرداختم. برای مثال آموزش بازرسان

و ناظران در این حوزه، فراهم کردن زیرساخت‌هایی برای ارائه گزارش امن،

آسان و اثربخش فساد توسط کنشگران دانشگاهی مانند خطوط تلفن ناشناس،

اینترنت امن هم بخش دیگری از پیشنهادهاست که می‌تواند برای تقویت این

حوزه‌دنبال کرد. همچنین بخش دیگری که می‌تواند به این حوزه کمک کند

همان تشویق و ترویج فرهنگ گزارش‌دهی فساد است. یعنی اگر این امکان

را فراهم کنند که گزارش‌دهندگان فساد حتی تشویق می‌شوند، می‌تواند بسیار

اثربخش باشد. پیشنهاد دیگر تشکیل کمیته‌های ارتقای سلامت نظام آکادمیک

در دانشگاه‌هاست که در آن بحث فساد دانشگاهی را هم به‌صورت تخصصی

رصد کنند و هم گزارش دهند. آنچه مهم است اینکه این کمیته‌ها با همکاری

و هماهنگی دستگاه‌های دیگر می‌توانند با فساد دانشگاهی مبارزه کنند.

با توجه به زیرسخت شما در فضای آموزش عالی، تجربه شخصی‌تان از وجود فساد و برخورد با آن چیست؟

من بیش از ۳۰ سال در نظام دانشگاهی خدمت کردم. هم از جنبه اعتقادی، هم از بعد مسئولیت اجتماعی و هم از بعد تخصصی، پس از مشاهده مواردی از فساد و بعد از بررسی و اطمینان از وقوع فساد به‌صورت ناشناس و حتی شناس به‌واحدها و مقامات مسئول دانشگاهی گزارش کردم؛ اما متأسفانه در اغلب موارد به‌رغم ارسال مستندات دقیق و محکم برخوردی با آن شخصی که مرتکب فساد شده، صورت نگرفته است. متأسفانه برخی موارد فساد به‌رغم اهمیت کاملاً عادی شده و به هر کسی به هر شکلی حتی حضوری که گزارش می‌دهیم، خیلی راحت می‌گویند این مورد دیگر تقریباً عادی شده و همه انجام می‌دهند و اساساً گزارش کردن آن هیچ فایده‌ای ندارد و کسی نیز با آن برخورد نمی‌کند. برای مثال در ماه ۵ آیین‌نامه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه آمده؛ اعضای هیئت‌علمی تمام‌وقت موظف هستند ۴۰ ساعت در هفته در دانشگاه حضور داشته باشند و بر اساس وظایف و برنامه تدوین شده در آن حوزه خدمت و نقش خود را ایفا کنند؛ همچنین براساس همین بند قانونی آن‌ها حق ندارند بدون مجوز بالاترین مقام دانشگاه پست اجرایی در خارج از دانشگاه بگیرند. درحالی‌که بنده به شخصی برخورد کرده‌بودم که این فرد مدیرعامل تعاونی مسکنی شده و عمده‌وقت خود را در آنجا می‌گذراند و حتی در آنجا هم تخلفات گسترده‌ای می‌کرد. یعنی این فرد حقوق تمام‌وقت از بیت‌المال حقوق دریافت می‌کرد و هیچ‌کس نیز به این موضوع رسیدگی نمی‌کرد که طبق قانون او حق ندارد خارج از دانشگاه پست اجرایی بگیرد ولی این اتفاق افتاده و این موضوع پیامدهای متعددی هم دارد؛ چراکه ابواب این ۴۰ ساعته‌ی که در دانشگاه حضور دارد و وقت صرف دانشجویو پژوهش می‌کند تا خروجی علمی داشته‌باشد حقوق تمام‌وقت می‌گیرد اما حالا چنین شخصی هیچ کدام از این وظایف را انجام نمی‌دهد. یعنی به جای اینکه ساعت موظفی‌اش را برای دانشجو بگذارد و او را راهنمایی کند یا مقاله و کتاب بنویسد و ترجمه کند اما این کارها را نمی‌کند. طبیعتاً در موقعیتی که برای او خلش شده، در حال سوءاستفاده کردن است. علم توجه به قانونی‌که دانشگاه وضع کرده و تقریباً بسیاری از افراد آن را زیر پا می‌گذارند، می‌تواند پیامدهای متعددی را برای دانشگاه داشته باشد.

وضعیت فساد دانشگاهی در کشور در مقایسه با دیگر کشورها را چطور می‌بینید؟

بر اساس یافته‌های پیمایش ملی سنجش فساد دانشگاهی که ۱۸۰ شاخص را در این پیمایش با نمونه‌ای بالغ بر ۳ هزار نفر مورد سنجش قرار داده بودم، نمره فساد دانشگاهی سرجمع حدود ۷۵ بوده که نشان‌دهنده فساد گسترده در نظام دانشگاهی ما است. در مقایسه با کشور‌های دیگر من داده‌های چندیدی از سایر کشورها ندارم اما یافته‌ها سازمان شفافیت بین‌الملل در حوزه فساد در نظام آموزشی مربوط به سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ نشان می‌دهد، نمره ما بیشتر به کشور‌هایی مانند کشور آلبانی، کنگو، فرقیزستان، لیبیا، روسیه، تانزانیا، زامبیا و زیمبابوه نزدیک است. نمره ما با کشور‌هایی مانند دانمارک، نروژ، فنلاند، انگلستان که دارای نظام دانشگاهی سالمی هستند فاصله و تفاوت بسیار زیادی دارد.

باید این را هم بگویم که پیمایش صورت گرفته، تنها پیمایش در حوزه فساد دانشگاهی است که به صورت ملی انجام نشده است. این کار را در اواخر سال ۱۳۹۸ انجام دادم که شامل بیش از ۱۰۰ دانشگاه می‌شد و حدود ۳ هزار نفر شامل مدرسان، اعضای هیئت‌علمی، مدیران و کارکنان آموزش عالی، دانشجویان و فاعل التحصیلان مقاطع مختلف شامل دکتری، کارشناسی ارشد و کارشناسی در آن شرکت کردند. برای هر کدام از این مخاطبان نیز پرسشنامه‌های خاص به خودشان را تعبیه کردیم؛ چراکه به‌صورت مثال دانشجویان کارشناسی می‌توانستند به ۲۵ سؤال پاسخ دهند در حالی که عضو هیئت‌علمی به ۱۶۰ تا ۱۷۰ سؤال می‌توانست پاسخ دهد. البته تا امروز نتایج این پیمایش ملی منتشر نشده و درصدد فرصتی‌ام که بتوانم آن‌ها را در قالب کتاب جدید منتشر کنم.

طبیعتاً امکان صفر کردن فساد وجود ندارد، راهکار کاهش این معضل در عرصه آموزش عالی را چه می‌دانید؟

در فصل ۵ کتاب فساد دانشگاهی بیش از ۵۰ راهکار برای مبارزه با فساد دانشگاهی و ارتقای سلامت نظام دانشگاهی ارائه کردم که به ۲ مورد مهم آن با دو مثال که اخیراً در دانشگاه تهران شاهد آن بودم، اشاره می‌کنم. برای مبارزه با فساد عزم و اراده سیاسی به‌ویژه در سطح مدیران ارشد لازم و ضروری است. لازمه این فاکتور خیلی مهم این است که مدیران ارشد شایستگی‌های

شده است. هاشم‌زاده به این سوال در اثرش پاسخ داده که «فساد چگونه و بر اثر چه عللی به دانشگاه و نظام دانشگاهی رخنه می‌کند و نتیجه چنین فساد ی چیست و چگونه می‌توان با آن مقابله کرد؟» چاپ جدید این اثر بهانه‌ای شد تا از او درباره اشکال فساد در دانشگاه‌های کشور، وضعیت دستگاه‌های نظارتی و راهکارهای برون‌رفت از آن بپرسم. در ادامه متن کامل این گفت‌وگو را از نظر می‌گذرانید.

لازم به‌ویژه شایستگی تخصصی آن منصب را داشته باشند. به بیان ساده در انتخاب و انتصاب آن‌ها اصل شایسته‌سالاری رعایت شده باشد؛ بنابراین عامل دیگری که برای ارتقای سلامت نظام دانشگاهی می‌توانم مطرح کرده و بسیار هم مهم است؛ رعایت اصل مهم شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران، اعضای هیئت‌علمی، مدرسان دانشگاهی است. در بررسی‌ها و پژوهش‌هایی که صورت گرفته فقدان شایسته‌سالاری یکی از دلایل مهم بروز فساد قلمداد شده‌است. رعایت اصل شایسته‌سالاری می‌تواند از فسادهای بسیاری جلوگیری کند. آقای دکتر پزشکیان در رقابت‌های انتخاباتی بر موضوع شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران تأکید زیادی داشته است. رعایت این اصل در واقع می‌توانست مبنایی برای وفاق ملی و وفاق دولت – ملت ایجاد کند. دو مثال از دانشگاه تهران می‌آورم که نشان‌دهم در نماد آموزش عالی ما یعنی دانشگاه تهران، توجه چندانی به این اصل نمی‌شود و می‌توانم بگویم «تو بدو حدیث مفصل خوان از این مجمل»، مدیرکل مسابق منابع انسانی دانشگاه تهران که حدود یک ماه است که تغییر کرده، آدم غیرسیاسی اما متخصص بود. دارای ۳۰ سال سابقه کار مفید و تجربه در حوزه کاری خود بود. یعنی از بدو استفاده به‌عنوان یک کارمند ساده، یک کارشناس، رئیس واحد، رئیس اداره و معاون مدیرکل بوده و پله‌پله رشد کرده تا به سمت مدیرکل منابع انسانی رسیده است. ضمن اینکه رشته تحصیلی او نیز در مقطع لیسانس و فوق‌لیسانس مدیریت بوده و مرتبط با شغلی که داشته است. نکته مهم که هیئت‌علمی نبوده و می‌توانسته به صورت تمام‌وقت در آنجا خدمت کند کاملاً به امور اداره رسیدگی کند. حالا مدیریت دانشگاه تهران به جای این فرد، یک عضو هیئت‌علمی را به مدیریت منابع انسانی دانشگاه تهران منصوب کرده که رشته او فنی و غیر مرتبط با این کار است. در ضمن این فرد بدون سابقه کار اداری حدود شش سالی می‌شود که هیئت‌علمی شده است. دقیقاً خلاف اصل شایسته‌سالاری؛ در چنین وضعیتی عضو هیئت‌علمی غیرمتخصص، نه وقت کافی برای پست اجرایی در حوزه منابع انسانی و نه وقت کافی برای انجام وظایف علمی خود خواهد داشت. بنابراین در دو حوزه پتانسیل فسادزایی را افزایش خواهد داد. مثال دیگری که وجود دارد در بسیاری از دانشگاه‌ها دانشگاه تهران برای انتخاب رئیس دانشکده حداقل ۲ نفر کاندید می‌شدند. برای به‌کارگیری یک نیروی خداتی در دانشگاه ضمن بررسی سوم‌پیشینه، باید مراحل گزینش و استعلام‌های مختلف انجام شود. اما در یکی از دانشکده‌ها من مطلع شدم و اطلاع دقیق دارم یکی از کاندیداهای ریاست دانشکده و فنی‌است که پرونده تقلب علمی با همان فساد دانشگاهی داشته و حتی محکوم و مجازات نیز شده‌است. از طرفی نکته مهم این است که رشته تحصیلی او اقتصاد بوده و ارتباطی با دانشکده محل خدمتش هم نداشته‌است. البته جذب این فرد در آن دانشکده نیز مسئله‌دار بود. حالا توجه کنید چگونه به فردی که فاقد شایستگی‌های تخصصی و حرفه‌ای و فاقد سلات آکادمیک بوده بدون بررسی اجازه کاندیداتوری برای مهم‌ترین پست دانشکده یعنی ریاست دانشکده را می‌دهند؟ این موارد نشان‌دهنده این است که مدیریت دانشگاه تهران توجه چندانی به اصل شایسته‌سالاری ندارد که پیامدهای آن به‌طور یقین افزایش فساد دانشگاهی خواهد بود.

چقدر سازوکار پیشگیری و برخورد با فساد در سطوح مختلف کارساز و مفید فایده بوده است؟ چه تغییراتی برای بهبود نیاز دارد؟

در یک دسته‌بندی کلی استراتژی‌های مبارزه بافساد را به استراتژی‌های پیشگیرانه، مقابله‌ای و مبارزه‌ای تقسیم‌بندی می‌کنند. در دنیا استراتژی‌های پیشگیرانه مهم‌ترین استراتژی‌هاست. یعنی آن‌ها معقند پیشگیری بسیار مهم‌تر و واجب‌تر در مان است. اگر استراتژی‌های پیشگیرانه به شکل درستی طراحی و به‌کار گرفته شود، نیاز چندانی به مقابله و مبارزه با فساد پیدا نخواهیم کرد. قطعاً یکی از استراتژی‌های مهم در حوزه پیشگیری آموزش است. درواقع آموزش در بدو استخدام، آموزش کارمندان، دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی در حوزه‌های تخصصی خود و مسائل مرتبط با سلامت آکادمیک و فساد دانشگاهی و دیگر آموزش‌های لازم می‌تواند مهم شمرده شود. دلیش هم آن است که بتوانند وظایف شغلی خود را به شکل مطلوب و مناسب انجام دهند. بحث دیگر، بحث شایسته‌سالاری، شایسته‌گزینی و شایسته‌بروری است. اگر این موارد نیز اتفاق بیفتد، بسیاری از فسادها رخ نخواهد داد که ما نیازمند استراتژی‌های مقابله و مبارزه‌ای باشیم. اما متأسفانه در این شاخص‌های پیشگیرانه وضعیت مناسبی نداریم اما در حوزه پیشگیری و استراتژی‌های مبارزه با فساد آنچه که شاهدیم و خروجی استراتژی‌هایی که به‌کار گرفته شده‌نشان می‌دهد کارآمدی لازم را نداشتند و برای کارآمدی لازم باید استراتژی‌هایی تدوین شود که تمام ابعاد مسئله را ببیند. باید استراتژی‌هایی در حوزه‌های مدیریتی، اداری، اخلاق حرفه‌ای و اقتصادی تدوین شود. همچنین به حقوق اعضای هیئت‌علمی و کارمندان و مسائل مالی دانشجویان توجه شود. استراتژی‌های اطلاع‌رسانی و آگاهسازی نیز بسیار مهمند و بخش قابل توجهی از فساد از این موضوع نشأت می‌گیرد که کنشگران و کسانی که مرتکب فساد می‌شوند، آگاهی لازم را ندارند که کاری که انجام می‌دهند، نوعی فساد است.

رشد تکنولوژی‌ها و فناوری‌ها را به عنوان بستر ی برای جلوگیری از فساد یا زمینه انجام آن می‌دانید؟

به نظر من استفاده از تکنولوژی و فناوری‌ها می‌تواند کمک شایانی به مبارزه با فساد کند؛ هرچند در برخی موارد از این تکنولوژی‌ها سوء استفاده می‌شود و در راستای فساد از آن استفاده می‌شود. در نتیجه تجربه دنیانشان می‌دهد استفاده از این فناوری‌ها می‌تواند کمک شایانی برای مبارزه با فساد باشد. برای مثال دولت الکترونیک در بسیاری از کشور‌ها توانسته به صورت جدی با فساد مبارزه کند و باعث کاهش فساد شود. در ایران نیز با استفاده از تکنولوژی‌ها و فناوری‌هایی که در اختیار ماست می‌توانیم با فساد دانشگاهی مبارزه کنیم. نرم‌افزار هایی مثل «همانند» می‌تواند به اعضای هیئت‌علمی در کنترل پایان‌نامه‌ها و مقاله‌ها بسیار کمک کند که آیا سرقت علمی و ادبی انجام شده یا نه. من گاهی با این نرم‌افزار کار‌های دانشجویان خودم را کنترل می‌کردم. حتی بدون آن نرم‌افزار نیز که‌هایی از مقاله یا پایان‌نامه را کپی و با جست‌وجو در فضای اینترنت، این مهم را بررسی می‌کردم که این اصطلاح از کدام مقاله درآمده بدون اینکه فرغش داده شده باشد و این موارد را به دانشجویان متذکر می‌شدم. استفاده از این تکنولوژی‌ها می‌تواند برای مبارزه با فساد کمک شایانی به ما کند.

